

آشنای غریب «مهجوریت قرآن»

دکتر سیدمعصوم حسینی
عضو هیأت علمی و استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم
Hosseini@quran.ac.ir

چکیده

قرآن کتاب زندگی بشریت، و چراغ هدایت و کمال آدمیت و رهنمای تمام انسان‌ها به سوی خیر و سعادت است. این کتاب الهی با تمام ویژگی‌هایی که دارد باستاند به جمله پیامبرگرمی اسلام (سوره فرقان/ آیه ۳۰) مهجور مانده است، در این مقاله، که باروش توصیفی تحلیلی به موضوع پرداخته، ابتدا به اهداف نزول قرآن اشاره شد و این اهداف را در سه بُعد بینشی، گرایش و بُعد عملی تقسیم نموده و برای هر کدام مواردی ذکر گردیده است. در ادامه به عواملی که موجب مهجوریت قرآن می‌گردد، اشاره گردیده است. و به این نتیجه دست یافتیم که معنای حقیقی مهجوریت این است که مردم به دستورات و تعالیم قرآن در زندگی عمل نمی‌کنند. عواملی به مهجوریت کشاندن قرآن وجود دارد که از بین مهمترین آنها می‌توان: کنار گذاشتن اهل بیت عصمت و طهارت، عدم توجه به نقش سازنده قرآن در زندگی، فرهنگ و آداب و رسوم غلط، غفلت از قرآن، حجاب‌هایی که بین انسان و قرآن وجود دارد، عدم تدبیر در قرآن و عمل نکردن به دستورات قرآن اشاره کرد.

واژه‌های کلیدی: قرآن، مهجوریت، اهداف، انسان، زندگی، مهجوریت قرآن

مقدمه

قرآن کلام جاوید حق و معجزه ابدی رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و نور الهی و کتاب با عظمت خداوندی است.

قرآن چراغ هدایت، شاهد نبوت، ضامن رسالت، کمال آدمیت و رهنمای تمام انسان‌ها به سوی خیر و سعادت است.

قرآن شفای دردها، صفای باطن، عشق عاشق، عرش معنوی و کرسی علم الهی است.

شناخت حقایقی که در قرآن مجید آمده بر عهده پیامبر (صلی الله علیه و آله) و ائمه اطهار (علیهم السلام) است و تا آن‌جا که ظرفیت انسان تا قیامت اجازه می‌داده در توضیح حقایق این کتاب از آن بزرگواران مسائلی در کتاب‌های معتبر حدیثی و تفسیری نقل شده و آن عزیزان بر اساس بسیاری از آیات قرآن از مردم عالم دعوت به تفکر در اصول و معارف قرآن کرده‌اند.

انسان با تمام علومی که دارد وقتی در برابر قرآن مجید قرار می‌گیرد به طور جدی خود را در برابر دریایی بی‌ساحل و بحری بی‌کران که آن را بدایت و نهایت معلوم نیست می‌بیند.

اگر انسان در برابر قرآن مجید بی‌تفاوت بماند با تمام موجودیت و هویتش به قعر چاه طبیعت سرنگون شده و تمام ارزش‌های خود را از دست خواهد داد و از هستی او چیزی جز حظی از حیوانیت و پستی نخواهد ماند.

مهجوریت قرآن، دغدغه‌های فراوانی در میان قرآن پژوهان به وجود آورده است. به طوری که بسیاری کوشیده‌اند با بررسی و تبیین ابعاد مهجوریت، قدمی در جهت مهجوریت‌زدایی از قرآن بردارند، قرآن مقدس‌ترین و باارزش‌ترین کتاب در میان مسلمانان به شمار می‌رود.

با وجود اهتمام به تلاوت، حفظ، تفسیر قرآن و نوشتن آن به زیباترین خط‌ها و نیز استفاده از آیات قرآن در هنر معماری و انتشار این کتاب مقدس در تیراژ میلیونی و اقدامات دیگر، باز هم قرآن مهجور است.

آن چه مسلم است مهجوریت قرآن در سوره فرقان بیان شده است که می‌فرماید:

«وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا». (سوره فرقان/ آیه ۳۰)

[پیامبر (ص) از امت خویش به درگاه خداوند شکوه می‌نماید].

قبل از آن که بحث پیرامون مهجوریت و عوامل آن داشته باشیم. باید بدانیم هدف از نزول این کتاب آسمانی چیست؟ خداوند متعال با فرو فرستادن آن به دنبال کدام مقصد است؟

اهداف نزول قرآن

قرآن مجید یکی از اهداف خود را نجات انسان از غفلت معرفی می‌کند. این اهداف در سه مجموعه قرار می‌گیرند: بخشی ناظر به بُعد بینش و فکر انسان است بخشی دیگر به گرایش‌های انسان توجه دارد و بخش سوم رفتار انسان را مدنظر قرار داده است. برای آن که از اصل موضوع دور نشویم برای هر کدام به طور خلاصه یکی دو مورد ارائه می‌گردد:

الف) اهداف قرآن در بُعد بینش

۱- رهایی از غفلت

قرآن مجید یکی از اهداف خود را نجات انسان از غفلت معرفی می‌کند. «تَنْزِيلَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ، لِيُنذِرَ قَوْمًا مَّا أُنذِرَ آبَاؤُهُمْ فَهُمْ غَافِلُونَ». (سوره یس / آیه ۶-۵) [قرآن فرستاده خدای شکست‌ناپذیر و مهربان است تا کسانی را که پدرانشان بیم داده نشده‌اند بیم دهی، زیرا ایشان غافل‌اند].

در این آیه، نجات مردم از غفلت، هدف قرآن تلقی شده است و برای تحقیق چنین هدفی می‌فرماید: باید مردم بیم داده شوند تا به هوش آیند و از غفلت رهایی یابند. قرآن می‌فرماید: برخی انسان‌ها از خدا (سوره اعراف/آیه ۲۰۵) آخرت (سوره روم/آیه ۷) و آیات الهی (سوره اعراف/آیه ۱۳۶) که نقش به سزایی در سعادت آنان دارد غافل شده‌اند باید به آن توجه کنند.

۲- به یاد آوردن فراموش شده‌ها

خداوند بزرگ از راه فطرت، عقل و وحی، حقایقی را در اختیار بشر قرار داده، ولی انس با دنیا، لذاذ مادی و وسوسه‌های شیطانی و هواهای نفسانی سبب شده است که آن حقایق را فراموش کند. قرآن یکی از اهدافش به یادآوردن آن حقایق است.

«إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ». (سوره تکویر / آیه ۲۷)
[قرآن برای جهانیان جز یادآوری چیز دیگری نیست].

ب) اهداف قرآن در بُعد گرایش

۱- پند دادن

برای آن که مسیر صحیح سعادت را انتخاب کند علاوه بر بیرون آمدن از غفلت و فراموشی و به دست آوردن بینش‌های صحیح و ضروری باید دل او نیز در گرو آن بینش‌ها قرار گیرد. ولی توجه به مادیات و پیروی از هواهای نفسانی دل انسان را سخت و او را سنگ‌دل می‌سازد و آمادگی پذیرش حقایق را از او می‌ستاند.

در چنین موقعیتی، ضروری‌ترین عنصر مورد نیاز عاملی است که دل او را رام کند و به حالت فطری نخستین بازگرداند. آن عامل «پند و موعظه» است.
 «يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ». (سوره یونس / آیه ۵۷)
 [ای مردم، شما را از سوی خداوند گارتان پندی آمد].

۲- انذار و تبشیر

فعالیت‌های اختیاری انسان در اثر آگاهی و انگیزه، جامه عمل می‌پوشد. برای انسان‌ها در هر مسیر، صرف آگاهی کافی نیست، بلکه انگیزه نیز لازم است. تا انسان نسبت به کارهای خیر انگیزه و نسبت به کارهای ناشایست دافعه‌ای باطنی نداشته باشد، در مسیر صحیح قدم نمی‌گذارد و به پیش نمی‌رود.
 «أَنْزَلَ عَلَى عَبْدِهِ الْكِتَابَ. لِيُنذِرَ بَأْسًا شَدِيدًا مَنْ لَدُنْهُ وَيُبَشِّرَ الْمُؤْمِنِينَ». (سوره کهف / آیه ۲-۱)
 [خداوند بر بنده خویش کتاب را فرو فرستاد. . . تا عذاب سخت پروردگار بیم دهد و مؤمنان را بشارت گوید].

ج) اهداف قرآن در بُعد عمل

۱- شکرگزاری

انسانی که به این مرحله رسیده است خود را با انبوهی از نعمت‌های خدا روبرو می‌بیند و آماده می‌شود تا در برابر این همه نعمت شکرگزاری کند و اگر به نعمت‌ها توجه نداشته باشد و یا از صاحب نعمت غافل باشد درصدد شکرگزاری بر نمی‌آید. قرآن در آیات خود با برشمردن نعمت‌ها و توجه دادن به این نکته که همه آن چه در اختیار انسان است از خداست این زمینه را فراهم می‌سازد در چنین موقعیتی است که انسان حق‌شناس به ولی نعمت خود توجه می‌کند و در می‌یابد که همه چیز از اوست.
 «... وَ أَنْ قَوْمًا عِبَدُوا اللَّهَ شُكْرًا فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْإِحْرَارِ». (مجلسی، بحارالانوار، ۱۳۹۷ق، ۶۹-۷۸)

۲- داوری به حق در مسائل مورد اختلاف

یکی دیگر از اهداف قرآن حل مسائل مورد اختلاف در مرحله عمل است. فطرت پاک انسان وی را به رعایت عدالت و اعطای حقوق دیگران فرا می‌خواند. در آیه ۲۱۳ سوره بقره هدف بعثت همه پیامبران و نزول کتب آسمانی، قضاوت در مورد مسایل مورد اختلاف مردم دانسته شده است.
 همانطور که بیان شد، اهداف نزول قرآن بسیار زیاد است و در خود آیات قرآن به آنها اشاره شده است. ما به خاطر این که این مقاله به طول نیانجامد به همین مقدار اکتفا نمودیم.

با توجه به مطالب بیان شده به این نتیجه می‌رسیم که قرآن این کتاب بزرگ آسمانی، تنها برای تلاوت نیست. باید قرآن در متن زندگی مسلمانان قرار گیرد و آن را قدوه و اسوه خویش قرار دهند و دستوراتش را مو به مو اجرا کنند و تمام خطوط زندگی خویش را با آن هماهنگ سازند.

حال چرا با این همه توجهی که به قرآن وجود دارد، باز قرآن مهجور است؟

مگر نه این است که در هر خانه‌ای چندین جلد قرآن و با خط‌ها و ترجمه‌های گوناگون وجود دارد. در تفسیر مجمع‌البیان ذیل آیه شریفه «وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا» (سوره فرقان/ آیه ۳۰) آمده است:

«منظور از رسول در این آیه پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) است که از قوم خود شکایت می‌کند که پروردگارا، قوم من این قرآن را مهجور کردند. یعنی قرآن را رها کرده و به دنبال شنیدن و فهمیدن آن نیستند.» (طبرسی، فضل‌بن‌حسن، ۱۴۰۶-۷-۲۶۳)

نزدیک به همین معنا را می‌توان در دیگر تفاسیر و ترجمه‌ها مشاهده کرد: شکوه پیامبر (ص) به پیشگاه خداوند از مردم به خاطر متروک ساختن قرآن کریم بوده است. (رفسنجانی، اکبر، ۱۳۱۳، ۱۲-۴۱۴)

نکته قابل توجه این است که گرچه مهجور کردن قرآن امری نکوهیده و مورد سرزنش و توبیخ است ولی آیا پیام این آیه شریفه بیان کردن نکوهش مهجور کردن قرآن است؟ به تعبیر دیگر آیا «اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا» دقیقاً به معنای «قرآن را مهجور کردن» می‌باشد؟

در آیه شریفه خداوند با استفاده از کلمه «اتَّخَذُوا» بیانگر این نکته است که اتفاقاً قوم رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نه تنها قرآن را وا ننهادند و ترک نگفتند، بلکه آن را در اختیار گرفته و به آن دست یافته‌اند ولی تمام مسأله این است که بدست آوردن و در اختیار گرفتن قرآن به گونه‌ای است که در اثر عدم درک صحیح و شناخت، قرآن در این میان عملاً مهجور و متروک مانده است. پس معنای صحیح «اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا» این است که «قرآن را به مهجوریت گرفتند».

مهجور کردن و به مهجوریت گرفتن مانند تعبیری چون مسخره کردن و به مسخره گرفتن، بازی کردن و به بازی گرفتن... تفاوت ظریفی با هم دارند.

در اولی (بازی کردن، مهجور کردن، مسخره کردن) فعل، صریح و آشکار صورت می‌گیرد و فاعل نیز دانسته، ترس ندارد که فعل را صریح و بی‌پرده انجام دهد. تا دیگران به واقعیت فعل وی پی ببرند. در حالی که در دومی (به بازی گرفتن، به مهجوریت گرفتن، به مسخره گرفتن...) فاعل به هر علت صریحاً به انجام فعل مبادرت نمی‌ورزد، بلکه آن را در پرده‌ای از خفا و پوشش انجام می‌دهد به گونه‌ای که در ابتدا نمی‌توان به واقعیت فعل وی پی برد. بلکه شاید در ابتدا عکس آن هم به نظر برسد.

مهجور کردن قرآن یعنی روی گردانی و دوری از آن، در حالی که مهجور گرفتن قرآن یعنی پرداختن به قرآن ولی به گونه‌ای که اگرچه در ظاهر از این رویکردهای مختلف قرآنی بوی توجه و استفاده به مشام می‌رسد ولی حقیقت مطلب این است که در همه این رویکردها قرآن بیگانه و ترک شده است.

در مهجور کردن قرآن شخص به خانه قرآن قدم نمی‌گذارد و به سراغ قرآن کریم نمی‌آید در حالی که به مهجوریت گرفتن قرآن، بیمار به طبیب مراجعه کرده و داروهای شفا بخش وی را گرفته است ولی از آنها استفاده نمی‌کند تا به کام مرگ فرو می‌رود. (غفاری، بینات، ش ۳۰)

عوامل مهجوریت

مهجوریت قرآن در میان مسلمانان دارای عوامل و زمینه‌های فراوانی است که در این مقاله به اهم آنها پرداخته خواهد شد:

۱- تلاش برای جدا کردن اهل بیت (علیهم‌السلام) از قرآن

با توجه به حدیث شریف ثقلین که مورد اتفاق فریقین است، قرآن و عترت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) دو گوهر گرانبها را به عنوان امانت به جا گذاشت که موجب سعادت انسان‌ها و جوامع بشری خواهند بود. «أَنِّي قَدْ تَرَكْتُ فِيْكُمْ الثَّقَلَيْنِ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُم بِهَمَا لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي...» کتاب الله... و عترتی اهل بیتی و آنها لَنْ يَفْتَرِفَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ». (مجلسی، ۱۰۶-۲۳)

[جدایی ناپذیری ثقلین به این معنا نیست که امام (علیه‌السلام) همواره قرآنی را به همراه خود داشته باشد. بلکه به معنای عدم انفکاک امامت و وحی قرآنی از یکدیگر است].

انتم (علیهم‌السلام) مفسر و مبین قرآن کریم هستید و قرآن نیز انسان‌ها را به معصومین (علیهم‌السلام) ارجاع و به سنت آنها بها می‌دهد.

اگر پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در حدیث ثقلین از جدایی ناپذیری ثقلین سخن نمی‌گفت ممکن بود خیال شود که تمسک به هر یک به تنهایی برای هدایت کافی باشد. اما انتهای حدیث قرآن و عترت را به عنوان دو حجت مستقل مطرح می‌کند که هیچ کدام از دیگری مستغنی نیست.

عترت منهای قرآن، «عترت منهای عترت» خواهد بود و قرآن منهای عترت به منزله «قرآن منهای قرآن» خواهد بود. پس قرآن و عترت در ارائه دین جامع، به منزله یک حجت الهی هستند. (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ۱۵۰-۱)

قرآن کتابی است که باطل در آن راه ندارد. (سوره فصلت/ آیه ۴۲-۴۱)

اهل بیت (علیهم‌السلام) نیز با توجه به بهره‌مندی از مقام عصمت در سخن و اعمال آنها باطل راه نمی‌یابد و خداوند آنها را از هر گونه پلیدی پاک و پاکیزه گردانیده است. (احزاب/ ۳۳)

پس، هر کس به دنبال سعادت و هدایت هستند، بی‌تردید گمشده خود را باید در این دو جستجو کنند آن هم نه به صورت مجزا و جدا از هم، زیرا قرآن بدون عترت و عترت بدون قرآن علاوه بر مهجوریت آن دو موجب گمراهی مردم نیز خواهد شد. امروز ما به عینه شاهد این جدایی در اکثر کشورهای اسلامی هستیم و همین مسأله موجب اختلافات شدید در آن جامعه شده است. این کشورها به ظاهر قرآن تمسک جسته و

حضور اهل بیت عصمت و طهارت (علیه السلام) را در کنار قرآن نفی نمودند، دچار گمراهی و ضلالت شدید شده‌اند.

۲- عدم آشنایی نسبت به نقش قرآن در زندگی انسان

هر مقدار انسان نسبت به عظمت و مقام قرآن و نقش آن در زندگی فردی و اجتماعی خویش جاهل باشد، به همان مقدار شوق و ذوق او در اطاعت از آن کمتر خواهد شد. وقتی انسان نداند که قرآن کریم چه فایده و برکاتی برای او دارد به یقین رغبتی در توجه و پیروی از آن نشان نمی‌دهد. عده‌ای با نگرش تک بُعدی به قرآن، گمان می‌کنند قرآن مجموعه‌ای از احکام فردی و توصیه‌های اخلاقی است که پیروان خود را به یک سری توصیه‌های اخلاقی، عبادی و فردی دعوت نموده است. اما غافل از آن که قرآن در تمام زمینه‌ها از جمله مباحث اخلاقی، تربیتی، علمی، سیاسی، اجتماعی، حکومتی، جامعه‌شناسی، فقهی، اقتصادی، روانشناسی و... دستورالعمل لازم به پیروان خود ارائه نموده است. بنیان‌گذار جمهوری اسلامی در برابر جریانی که قرآن و اسلام را از احکام سیاسی اجتماعی تهی می‌داند می‌فرماید:

«باید به این نادانان گفت که قرآن کریم و سنت رسول‌الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله) آن قدر که در حکومت و سیاست، احکام دارند. در سایر چیزها ندارند، بلکه بسیاری از احکام عبادی اسلام، عبادی سیاسی است که غفلت از آن‌ها این مصیبت‌ها را به بار آورده است. پیغمبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) تشکیل حکومت داد مثل سایر حکومت‌های جهان». (صحیفه انقلاب)

۳- فرهنگ و آداب و رسوم

قرآن در بین مردم و مسلمانان حضور دارد و مورد احترام و محبوب است. اگرچه مهجور است. بیشتر تلاوت قرآن برای قصد ثواب و اموات خوانده می‌شود. این مسأله در فرهنگ ما رواج دارد. امروز در جوامع اسلامی هر کجا، خارج از وقت اذان، صدای تلاوت قرآن شنیده شود، یادآور مرگ است. چون وقتی کسی از دنیا برود با تدارک حجله و گذاشتن نوار قرآن حزن و اندوه خود را ابراز می‌دارند. قرآن، کتاب زندگی، قانون و عمل است. باید برای زنده‌ها خوانده و تفسیر و تبیین گردد ولی بیشتر برای مردگان خوانده می‌شود.

امام خمینی (ره) می‌گوید:

«ما مفتخریم و ملت متعهد به اسلام و قرآن مفتخر است که پیرو مذهبی است که می‌خواهد حقایق قرآنی که سراسر آن از وحدت بین مسلمین بلکه بشریت دم می‌زنند از مقبره‌ها و گورستان‌ها نجات داده و به عنوان بزرگترین نسخه نجات دهنده بشر از جمیع قیودی که برپای و دست و قلب و عقل او پیچیده است و

او را به سوی فنا و نیستی و بردگی طاغوتیان می کشاند، نجات دهد». (مقدمه وصیت نامه سیاسی الهی امام خمینی (ره))

بنابراین اگر می خواهیم در دنیا، عزیز و سربلند باشیم و تحت تأثیر افکار و اندیشه های دشمنان قرار نگیریم باید قرآن را از یک عادت و فرهنگ خالص بیرون بیاوریم و وارد زندگی مادی و معنوی خود نماییم و با الهام گرفتن از مفاهیم بلند آن عزیز بمانیم.

۴- غفلت

یکی از عواملی که موجب مهجوریت قرآن کریم در بین مسلمین می گردد، «غفلت» است. اهمیت غفلت نسبت به اطاعت و پیروی از قرآن، کمتر از غفلت از یاد خدا نیست. زیرا قرآن کتابی است که سرگذشت خوب و بد پیشینیان را جهت بهره مندی از جنبه های مختلف تاریخ برای هر انسان از این گنجینه الهی در جهت خودسازی استفاده نماید.

عوامل پیروزی و شکست، اسباب سعادت و بدبختی همه و همه در این کتاب الهی نهفته است. به یقین از چنین نعمت بزرگی که خداوند در اختیار بندگانش قرار داده است خسران سنگینی را در پی خواهد داشت.

قرآن کریم به این خطر اشاره نموده است و به همگان گوشزد نموده می فرماید:

«كَذَٰلِكَ نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ مَا قَدْ سَبَقَ وَقَدْ آتَيْنَاكَ مِنْ لَدُنَّا ذِكْرًا؛ مَنْ أَعْرَضَ عَنْهُ فَإِنَّهُ يَحْمِلُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وِزْرًا؛

خَلَدَيْنَ فِيهِ وَ سَاءَ لَهُ لِمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حِمْلًا». (سوره طه / آیه ۹۹-۱۰۱)

[و این گونه بخشی از اخبار پیشین را برای تو بازگو می کنیم، و ما از نزد خود، ذکر (قرآن) به تو دادیم هر کس از آن روی گردان شود، روز قیامت بار سنگینی بر دوش خواهد داشت در حالی که جاودانه در آن خواهد ماند و بدباری است. برای آنها در روز قیامت].

همراه بودن با قرآن و غفلت نداشتن موجب می شود انسان. زندگی اش چه فردی و چه اجتماعی همسو با قرآن باشد در این صورت می توان گفت دارای زندگی خوب می باشد.

۵- حجاب های بین انسان و قرآن

از جمله عواملی که موجب مهجوریت قرآن کریم می شود، حجاب هایی است که انسان میان خود و قرآن ایجاد می نماید. به طوری که در عین ارتباط با قرآن، از درک معارف و حقایق آن، محروم می شود. این حجاب ها زیاد هستند، در این قسمت به برخی از این حجاب ها اشاره می گردد.

الف) آلودگی به گناه

در متون دینی برای گناه به جز کیفر اخروی، آثار و پیامدهای زیانبار بسیاری برشمرده شده است. از جمله آن که گناه سبب می شود از فهم قرآن و استفاده از معارف معنوی وحی محروم بماند و نتواند از تلاوت آیات به حقایق

آنها برسد، زیرا با انجام گناه، آمادگی قلب برای درک راستی‌ها و درستی‌ها از میان می‌رود. (مجله حوزه، ش ۲۲۳-۹۶)

گناه مانند بیماری مهلکی است که انسان را از پا در می‌آورد و روح ایمان، اطاعت و بندگی را از او سلب می‌نماید، تا جایی که سر از تکذیب و استهزای آیات الهی در می‌آورد.

ب) احساس بی‌نیازی

انسان اگر سلوک علمی و عملی خود را برای پیوند با قرآن، خوشایند پندارند، این حالت حجاب و بازدارنده بزرگی است که انسان را از فیض پر دامنه قرآن محروم می‌سازد. برای نمونه: اگر احساس بی‌نیازی به سراغ انسان بی‌آید، یقیناً از معارف و حقایق قرآنی محروم خواهد شد و در هیچ جای دیگر نمی‌تواند به این حقایق دست یابد. انسان هر چه دارای علم و دانش باشد به هیچ وجه بی‌نیاز از قرآن نخواهد بود.

۶- عدم تدبیر در قرآن

«تدبیر» در اصلاح قرآنی، تأمل در آیه‌ای پس از آیه دیگر، یا تأمل پس از تأمل در آیه است و تنها راه فهم قرآن می‌باشد. بیان آیات و روایات، هیچ راه دیگری را برای نیل به این هدف والا به رسمیت نمی‌شناسد. در قرآن، چیزی همانند «تعقل در قرآن» یا «تفکر در قرآن» وارد و تجویز نشده آن چه هست تنها تدبیر در قرآن است. (مصطفوی، ۱۳۶۰، ۱۶۵-۳)

قرآن کتاب تدبیر است. اکتفا به تلاوت بدون تدبیر، نمی‌تواند انسان را به اهداف قرآن رهنمون شود. دست‌یابی به گوهرهای ناب و ارزشمند اقیانوس، بدون غواص و اندیشه‌ورزی ممکن نیست. اساساً قرآن کریم برای تدبیر نازل شده است.

«كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُوا الْأَلْبَابِ». (سوره ص / آیه ۲۹)

[این کتابی است پربرکت که بر تو نازل کرده‌ایم تا در آیات آن تدبیر کنند].

قرآن کریم، کتابی است حق و برای هدایت همگان نازل شده و عموم جوامع بشری را به تدبیر در آن فرا می‌خواند، ولی بعضی از انسانها بر اثر گناه دلشان را بسته‌اند که در این صورت توفیق تدبیر در قرآن نصیبشان نمی‌شود، خداوند در این زمینه می‌فرماید:

«أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْفُرْعَانُ أَمْ عَلَىٰ قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا». (سوره محمد / آیه ۲۴)

[اگر کسی دلش باز بود، توان تدبیر در قرآن را خواهد داشت و معانی قرآن در آن نفوذ خواهد کرد].

(جوادی آملی، ۱۳۷۵، ۳۶۴-۹)

امروز، توجه بیش از حد به الفاظ و عبارات قرآن، تلاش برای به پایان رسانیدن سوره‌های قرآن، عدم اهتمام به درک آموزه‌های قرآن در هنگام تلاوت و بی‌توجهی به ترویج فرهنگ تدبر در مراکز علمی و آموزشی از نمونه‌های آشکار مهجوریت تدبر در قرآن می‌باشد.

۷- عمل نکردن به دستورات قرآن

تمام مراحل و مراتب ارتباط با قرآن اعم از آموزش قرائت، تدبر، انس و آشنایی با معارف الهی قرآن، مقدمه‌ای برای عمل کردن است.

اگر قرآن در عمل و رفتار و گفتار و شخصیت انسان و جامعه تجلی نیابد و ظهور و بروز پیدا نکند، هرگز به قرآنی شدن انسان و جامعه نخواهد انجامید. عمل به قرآن است که جان‌ها را منقلب و جوامع را تعالی می‌بخشد به قول علامه اقبال لاهوری

نقش قرآن چون که در عالم نشست نقش‌های پاپ و کاهن را شکست

فاش گویم آن چه در دل مضمّن است این کتابی نیست چیز دیگر است

چون که در جان رفت، جان دیگر شود جان چون دیگر شد، جهان دیگر شود

از این رو، اکتفا به آموزش، تعلیم و قرائت، تدبر و شناخت مفاهیم قرآنی و برگزاری جشنواره و نمایشگاه‌ها، فقط می‌تواند ظاهر و نام قرآن را از مهجوریت و غربت برهاند.

در حالی که مهجوریت و غربت اصلی، عمل نکردن و پیاده نشدن فرامین و اهداف قرآنی در عمل و رفتار مردم و متن جامعه است. (مجله گلستان قرآن، ۱۶۷-۷)

قرآن کریم هدف از نزول خود را عمل به فرامین و دستورات آن می‌داند و از مخاطبان خود انتظار پیروی دارد.

«وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مَبَارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ وَاتَّقُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ». (سوره انعام / آیه ۱۵۵)

در تلاوت آیات قرآنی، آیاتی چون «وَمَنْ لَمْ يَحْكُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ». (سوره مائده / آیه ۴۴)

را به آسانی می‌خوانیم. اما در عمل به آن سختی‌های بسیاری را باید به جان خرید. به همین جهت باید سهل و آسان بودن قرآن: «وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ». (سوره قمر / آیه ۲۲)

و میان سخت و دشوار بودن قرآن: «إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا». (سوره مزمل / آیه ۵) تفکیک شود.

تلاوت ظاهری قرآن، بدون عمل به آن ممکن است آثار زیانباری به دنبال داشته باشد. تلاوت قرآن با اهداف ریاکارانه و نیز خواندن قرآن همراه با شناخت پیام خدا اما بدون عمل ممکن است زمینه انحطاط و گمراهی انسان را فراهم سازد.

مولانا در این زمینه می‌گوید:

زان که از قرآن بسی گمراه شدند زان رسن قومی درون چه شدند

هر رسن را نیست جرمی ای عنود چون تو را سودای سر بالا نبود

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می فرماید:

«... وَمَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ قَمَاتَ قَدْ خَلَّ النَّارَ فَهُوَ مِمَّنْ كَانَ يَتَّخِذُ آيَاتِ اللَّهِ هُزُؤًا...». (نهج البلاغه، حکمت ۲۲۸)

ابن ابی الحدید در ذیل این سخن حضرت می نویسد:

«شاید مقصود امام از استهزاء کننده آیات الهی کسی است که به نزول قرآن از جانب خداوند معتقد است و لکن به واجبات آن عمل نمی کند، چنان که بسیاری از مردم در روزگار ما چنین اند». (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸، ۱۹-۵۳)

عوامل دیگری جهت مهجوریت قرآن وجود دارد، و جا دارد آن‌ها را مورد بررسی قرار داد اما به خاطر این که بحث به طول نیانجامد، به همین مقدار اکتفا می شود. لازم می بینم در پایان این بحث راهکارهایی که موجب می شود تا قرآن از مهجوریت خارج گردد اشاره نمایم:

راه‌های زدودن مهجوریت از قرآن

چه راهکارهایی را می توان برای مهجوریت زدایی قرآن ارائه کرد؟ برای این کار راههای متعددی ارائه شده است که در این قسمت به اهم آن به طور خلاصه و فهرست وار اشاره می گردد.

۱- اعتقاد و باور جامعه به الگو بودن قرآن در تمام ابعاد زندگی

اولین قدم برای زدودن مهجوریت، اعتقاد و باور قلبی به این مسأله است که قرآن می تواند در زمینه های زندگی بشر اعم از اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، علمی و... الگو باشد و می تواند انسان ها و جوامع انسانی را به سعادت برساند.

۲- تصحیح فرهنگ استفاده از قرآن

در رابطه با استفاده صحیح از قرآن می توان مردم جامعه را به چند دسته تقسیم کرد:

الف) گروهی از مردم که اکثریت را تشکیل می دهند، بیشتر برای کارهای جانبی و آماده کردن مجلس برای مراسم مختلف می خواهند.

ب) گروه دیگر قرآن را با هدف کسب ثواب و بدون توجه به معانی می خوانند.

ج) عده ای علاوه بر خواندن قرآن در معانی هم تدبر و اندیشه می کنند.

د) گروه اندکی از مردم ضمن خواندن و تدبر و اندیشه در آیات، قرآن را سرلوحه زندگی فردی و اجتماعی خود قرار می دهند.

در حقیقت رستگاران واقعی همین گروه چهارم هستند.

برای رهایی از این آسیب باید تمام نهادهای فرهنگی کشور هماهنگ شوند و این تفکر را در میان اقشار مختلف جامعه به خصوص جوانان القا کنند که قرآن کتاب زندگی است.

۳- عمل کردن مسئولین و دست‌اندرکاران به دستورات قرآن

یکی از عوامل مهم در مهجوریت‌زدایی از قرآن که بسیار تأثیرگذار است، این است که حافظان، قاریان، مفسران و مسئولین کشوری، و همه کسانی که در این بخش فعالیت دارند عامل به قرآن باشند. خداوند متعال، کسانی را که می‌دانند ولی به دانسته‌های خود عمل نمی‌کنند نکوهش می‌کند. می‌فرماید: «أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ». (سوره بقره/ آیه ۴۴) اگر مردم تأثیرات قرآن را در زندگی این گروه مشاهده کنند به طور طبیعی به استفاده کردن از این کتاب و عمل به دستورات آن علاقمند می‌شوند.

۴- نگاه ویژه آموزش و پرورش به درس قرآن

این نهاد آموزشی قشر عظیم نوجوان و جوان را در اختیار دارد که دارای ویژگی‌های منحصر به فرد هستند. حضرت علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «الْعِلْمُ فِي الصَّغَرِ كَالنَّقْشِ فِي الْحَجَرِ». (مجلسی، ۱۳۹۷، ۲۲۴-۱) نوجوان و جوان از انعطاف‌پذیری بسیاری برخوردارند. چه بهتر که در این سنین روح و روان این قشر با آیات قرآن پیوند بخورد و به تعبیر امام جعفر صادق (ع): «مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ وَ هُوَ شَابٌ مُؤْمِنٌ اخْتَلَطَ الْقُرْآنُ بِلَحْمِهِ وَ دَمِهِ». (کلینی، ۱۳۸۸، ۲-۶۰۳) [هر کس قرآن را بخواند در حالی که جوانی مؤمن باشد قرآن با گوشت و خونس آمیخته می‌شود]. جوانی که روح و روانش با قرآن همراه باشد می‌تواند تمام برنامه‌های زندگی‌اش را بر مبنای قرآن قرار دهد.

۵- توجه خاص مراکز علمی - فرهنگی به مباحث قرآنی

نقشی که روشنفکران هر جامعه در ابعاد مختلف و تأثیری که می‌تواند در جامعه افراد داشته باشند کاملاً بدیهی و روشن است. هماهنگی حوزه و دانشگاه در نشر معارف قرآن در سطح جامعه تأثیر بسزایی در زدودن مهجوریت از چهره قرآن خواهد داشت.

نتیجه

خداوند متعال انسان را به نیروی عقل و فکر مجهز کرد و تمام قوای هستی را مسخر و رام او گردانید و از سوی دیگر با فرستادن پیامبران الهی و کتب آسمانی به انسان فهماند که تنها راه سعادت حرکت در خط سیر انبیاء مطابق با کتاب آسمانی اوست.

پیامبر گرامی اسلام، کتابی را آورد که جامع تمام دستورات و تعالیم دنیا و آخرت است و برای رسیدن به این سعادت شرطی وجود دارد و آن عمل به قرآن و تمسک به اهل بیت می‌داند. پیامبر(ص) چون متصل به وحی الهی بود دریافت که امتش دستورات قرآن را در زندگی خود پیاده نخواهند کرد، این بود که به درگاه حق از مهجور شدن قرآن در بین مسلمانان شکایت کرد.

مهجوریت قرآن به این معنا نیست که مردم قرآن را نمی‌خوانند و یا در آن اندیشه نمی‌کنند، بلکه معنای حقیقی مهجوریت این است که مردم به دستورات و تعالیم قرآن در زندگی عمل نمی‌کنند.

عواملی به مهجوریت کشاندن قرآن وجود دارد که از بین مهمترین آنها می‌توان:

کنار گذاشتن اهل بیت عصمت و طهارت، عدم توجه به نقش سازنده قرآن در زندگی، فرهنگ و آداب و رسوم غلط، غفلت از قرآن، حجاب‌هایی که بین انسان و قرآن وجود دارد، عدم تدبیر در قرآن و عمل نکردن به دستورات قرآن اشاره کرد.

برای زدودن مهجوریت از چهره قرآن، لازم است که رویکرد مسئولین و دیدگاه جامعه نسبت به قرآن دگرگون شود و مسئولین فرهنگی کشور اعم از مراکز علمی - فرهنگی و آموزشی باید قرآن را سرلوحه برنامه‌های خود قرار دهند و جامعه هم باید به این باور برسد که قرآن کتاب زندگی است.

به امید روزی که شاهد جامعه‌ای باشیم که در آن مسلمانان قرآن را در تمام ابعاد زندگی فردی و اجتماعی خود پیاده کنند.

فهرست منابع و مآخذ

- ۱- قرآن.
- ۲- نهج البلاغه.
- ۳- ابن ابی الحدید، عزالدین، شرح نهج البلاغه، بیروت، دار احیاء الکتب العربیه، ۱۳۷۸ ش.
- ۴- جوادی آملی، عبدالله تسنیم، اسراء، ۱۳۷۸ ش، قم.
- ۵- جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن، اسراء، ۱۳۷۵، قم.
- ۶- صحیفه انقلاب، وصیت نامه الهی سیاسی امام خمینی (ره).
- ۷- غفاری، مهدی، مهوریت قرآن، بینات، ش ۳۰.
- ۸- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان العلوم القرآن، تحقیق محلاتی و طباطبائی، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۶ ق.
- ۹- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸ ق.
- ۱۰- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، تهران، المکتبه الاسلامیه، ۱۳۹۷ ق.
- ۱۱- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن، نشر کتاب، تهران، ۱۳۶۰ ش.
- ۱۲- مجله حوزه، ش ۹۶.
- ۱۳- مجله گلستان قرآن، بازگشت به کتاب وحی، ش ۱۶۷، ۱۳۸۲.
- ۱۴- هاشمی رفسنجانی، اکبر، تفسیر راهنما، ۱۳۱۳، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.